

بررسی تکیه‌ی اسم در گویش مشهدی بر پایه‌ی نظریه‌ی واج‌شناسی مورایی

سعیده شجاع رضوی، استادیار پژوهشکده‌ی زبانشناسی پژوهشگاه میراث فرهنگی، تهران، ایران

صص : ۵۴-۷۶

چکیده

بررسی ساختار تکیه در گویش مشهدی می‌تواند برخی تفاوت‌های این گویش را با سایر گویش‌های زبان فارسی نشان دهد. در اکثر پژوهش‌های مربوط به تکیه در زبان فارسی تکیه مقوله‌ای صرفی است و آن را در ارتباط با اجزای کلام بررسی می‌کنند اما پژوهش حاضر سعی دارد تفاوت‌های موجود تکیه در مقوله‌ی دستوری اسم را بر اساس نوع و وزن هجا در چارچوب نظریه‌ی مورایی مورد بررسی قرار دهد. از آنجایی که وزن هجا یا همان سبک و سنگین بودن هجا در تعیین تکیه‌ی کلمات در برخی گویش‌ها موثر است و کشش جبرانی نیز ناشی از وزن هجا می‌باشد، یک ابزار صوری مانند مورا می‌تواند راهگشای مشکلات واج‌شناختی تکیه باشد. در بررسی‌های گویش مشهدی مشاهده شد که وزن هجا می‌تواند در پذیرش یا عدم پذیرش تکیه موثر باشد. در نهایت مشاهده شد توزیع تکیه در گویش مشهدی صرفاً به مقوله‌ی دستوری وابسته نیست بلکه در مقوله‌ی دستوری اسم، ساخت و نوع هجا یعنی سبک و سنگین بودن آن‌ها تاثیر مستقیمی در نوع تکیه دارد علاوه بر آن خوشه‌های دو همخوانی آغازی در تعیین وزن هجا و تکیه نقشی اساسی دارند. مشاهده شد هجای سنگین در مجاورت با هجای سبک تکیه را به خود اختصاص می‌دهد مگر اینکه در هجای فوق سنگین شاهد درج واکه و شکست هجای فوق سنگین باشیم که در این صورت تکیه به هجای سبک تعلق می‌گیرد. در مجاورت دو هجای سنگین و فوق سنگین یکسان اولین هجا و هجای دارای خوشه‌ی دو همخوانی آغازین تکیه بر می‌باشد.

کلیدواژه : تکیه، نظریه‌ی مورایی، هجا، وزن، خوشه‌ی دو همخوانی آغازین

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۲/۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۳/۲۹

پست الکترونیکی: s.shojarazavi@richt.ir

۱. مقدمه

تاکنون پژوهش‌های فراوانی در زمینه‌ی گویش مشهدی صورت گرفته اما موضوع تکیه که از مشخصه‌های بارز این گویش است به وسیله‌ی نظریه مورایی بررسی نشده است. در این پژوهش ابتدا به تعریف مورا و پیشینه‌ی آن پرداخته شد و سپس مباحث مربوط به ساختار هجا و مورا که عبارت است از وزن هجا، ساخت هجا، جایگاه مورا در ساختار هجا، وزن وابسته به جایگاه هجا، خوشه‌های دو همخوانی آغازین بررسی گردید.

نظریه‌ی مورایی که اولین بار به وسیله‌ی هایمن (۱۹۸۵) مطرح گردیده است و عموماً برای بازنمایی وزن در سطح هجا به کار می‌رود همانند نظریه‌ی ایکس بین همخوان‌ها و واکه‌ها تمایز قایل نمی‌شود و هردو را با نماد (X) نشان می‌دهد. با این حال نظریه‌ی مورایی با همه‌ی واحدهای واجی برخورد یکسان ندارد یعنی برخی واحدها از جمله واکه‌ها و همخوان‌های غیر آغاز را دارای وزن واجی می‌داند و به آن‌ها مورا اعطا می‌کند. اما برخی واحدها مانند آغاز و برخی همخوان‌های پایانه را بدون وزن محسوب می‌کند و به آنها مورا اعطا نمی‌کند (کرد زعفرانلو، ۱۳۸۳).

تفاوت بین هجای سبک و سنگین یعنی تفاوت بین هجاها در قالب تعداد مورا موضوع بحث بسیاری از واج‌شناسان بوده است. این واج‌شناسان برخی ساخت‌های هجایی را دارای کمیت یا وزن بیشتری نسبت به ساخت‌های هجایی دیگر می‌دانند. هایمن (به نقل از کریدلر، ۲۰۰۱: ۱۴۳) معتقد است که یاکوپسن و تروپتسکوی هردو به اهمیت مفهوم وزن هجایی در تعیین محل تکیه در زبان‌های مختلف توجه کرده‌اند. البته بر سر اینکه چه هجایی سبک است و چه هجایی سنگین بین زبان‌شناسان اختلاف نظر وجود دارد. دوران (۱۹۹۰: ۲۹۱) هجای سنگین را هجایی می‌داند که حاوی یک واکه‌ی کشیده و یا واکه‌ی مرکب یا واکه‌ی کوتاهی است که بعد از آن همخوان آمده باشد و هجای سبک هجای بازی است که فقط حاوی یک واکه‌ی کوتاه است. هاک مکالی (به نقل از کلداسمیت ۱۹۹۹: ۳۲۵) وجود تمایز بین هجاهای سبک و سنگین را مهم می‌داند و معتقد است که می‌توان از آن در بررسی همه‌ی انواع فرایندهای واجی از جمله اعطای تکیه و نیز در همه‌ی انواع تغییرات آوایی مثل حذف واکه‌های پایانی استفاده کرد.

در زبان فارسی واکه‌های کوتاه و بلند را به ترتیب تک‌مورایی و دومورایی و همخوانهای پایانی در هجاهای CV`CC, CVCC (با واکه‌ی بلند)، CVC را تک‌مورایی دانسته‌اند. بنابراین از نظر وزن

هجای تک‌مورایی CV را هجای سبک، هجای دومورایی CV CV را هجای سنگین و هجای سه‌مورایی CVC، CVCC، CVCC را هجای فوق سنگین می‌نامند. همخوان پایانی در هجای CVCC (با واکه‌ی بلند) اگر تلفظ شود فاقد محتوای مورایی است در واقع این همخوان با مورای همخوان پیش از خود شریک می‌شود (طیب زاده، ۱۳۸۶: ۴۲۹).

در نظریه‌های همخوان-واکه و ایکس درمورد ساخت هجا فرض بر این است که همه‌ی گره‌های ریشه روی لایه‌ی زمان‌مند یا مبنا قرار می‌گیرند اما در نظریه‌ی مورایی فقط بعضی از گره‌های ریشه روی لایه‌ی مبنا بازنمایی می‌شوند یعنی گره‌هایی که حامل وزن هجا هستند. به عبارت دیگر موراهای واحدهای وزن دار و زمان‌مند در بازنمایی واجی محسوب می‌شوند از این رو سازه‌های وزن‌دار، نوایی و سازه‌های بدون وزن مانند آغاز فقط سازه‌ی واجی هستند (کرد زعفرانلو ۱۳۹۳: ۱۳۵).

هدف از پژوهش حاضر بررسی تکیه در گویش مشهدی بر اساس نظریه‌ی مورایی است. به همین سبب ساختار هجایی گویش مشهدی و کاربرد نظریه‌ی مورایی در ساخت هجایی این گویش مورد بررسی قرار گرفت. در این پژوهش به سوالات زیر پاسخ داده شد: آیا وزن وابسته به جایگاه در تکیه‌ی این گویش موثر است یا مقوله‌ی دستوری اسم دارای تکیه‌ای مشخص می‌باشد؟ آیا واج‌شناسی مورایی می‌تواند تحلیل‌هایی علمی در خصوص شناخت تکیه در گویش ارائه دهد؟ محدودیت‌های واج‌آرایی در ساخت خوشه‌های دو همخوانی آغاز در این گویش چگونه است؟

در خصوص تفاوت گویش، لهجه و زبان زبان‌شناسان مطرح کردند: گویش شامل گونه‌هایی از زبان است که تفاوت‌های آوایی، واژگانی و ساختاری با دیگر گونه‌ها دارد و فهم آن برای گویشوران آن زبان مشکل است و گاه نیاز به آموزش رسمی دارد ولی در هر صورت از آن زبان مشتق شده است (صادقی، ۷۵: ۱۳۴۹)، (مدرسی، ۲۹: ۱۳۶۸) و (دبیر مقدم، ۱۰۳: ۱۳۸۷). «لهجه» به گونه‌هایی از زبان اشاره دارد که تفاوت‌های آوایی و واژگانی دارند ولی از لحاظ ساختار زبانی متفاوت نیستند. برخلاف گویش سخنگویان دو لهجه با تفاوت‌های تلفظی بدون نیاز به آموزش سخن یکدیگر را می‌فهمند (باطنی، ۱۸: ۱۳۵۴). پژوهشگرانی که گونه‌ی مشهدی را لهجه نامیدند: بیش (۱۳۳۹)، حبیب الهی (۱۳۴۷)، میرخدوی (۱۳۶۸)، وحیدیان کامیار (۱۳۸۴) (از اصطلاح

فارسی مشهدی استفاده کرده است)، ناظران پور (۱۳۸۶)، مشکوٰۃ‌الدینی (۱۳۸۷)، حیدری پور (۱۳۸۸).

پژوهشگرانی که گونه‌ی مشهدی را گویش نامیدند: ظفر محبوب (۱۳۴۱)، اکبری شالچی (۱۳۷۰)، وحیدیان کامیار (۱۳۸۴)، زارعی (۱۳۸۵)، خزایی (۱۳۸۸)، حسینی (۱۳۸۸) پهلوان‌نژاد (۱۳۸۹)، فیروزیان (۱۳۸۹)، نجاتیان (۱۳۹۰)، شهریاری‌راد (۱۳۹۴)، شجاع رضوی (۱۳۹۹).

اگر بخواهیم گونه‌ی مشهدی امروز که در بین مردم رایج است را در تقسیم بندی لهجه و گویش بر اساس تعاریف فوق قرار دهیم، می‌بایست اصطلاح لهجه را به کار ببریم زیرا با تفاوت واژگانی و آوایی اندکی مواجه می‌شویم که حتی کاربران سعی در پنهان کردن و تصحیح آن دارند و اغلب در پی معادل‌یابی و جایگزینی فارسی معیار با آن می‌باشند. اما آن مشهدی که نگارنده سعی در حفظ و ثبت آن داشته است و در بین مشهدی‌های اصیل و آنان که سعی در تغییر لهجه‌ی خود ندارند مشاهده می‌شود، حاکی از گویشی دارای نظام آوایی، ساخت واژی و نحوی خاص خود است که طبق تعاریف زبان‌شناسان می‌توان آن را گویش نامید که بخش‌هایی از تفاوت‌های نظام آوایی و ساخت واژی آن در پژوهش حاضر مشاهده خواهد شد. طبق تعریف گویش، اگر گویشور مشهدی به گویش اصیل خود صحبت کند تفهیم و تفاهم با گویشور فارسی معیار صورت نمی‌گیرد.

۲. پیشینه‌ی پژوهش

پژوهش‌هایی زبانشناختی نیز در زمینه‌ی گویش مشهدی صورت گرفته است که عبارتند از: ظفر محبوب (۱۳۴۱) در پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد خود با عنوان «گویش مشهدی» به توصیف ساخت واژی و نحوی گویش مشهدی پرداخته است. حبیب‌الهی با پژوهشی با عنوان «کیفیت و بررسی فعل در لهجه‌ی مشهدی» (۱۳۴۷) به بررسی افعال گویش مشهدی پرداخته است. مشکوٰۃ‌الدینی در پژوهشی با عنوان «رابطه‌ی لهجه‌ی رسمی و لهجه‌های محلی زبان فارسی» (۱۳۸۷) تفاوت‌های آوایی گویش محلی و فارسی معیار را بررسی کرده است. وحیدیان کامیار (۱۳۸۳) در مقاله‌ی خود با عنوان «گویش مشهدی» و دیگر مقاله اش در سال (۱۳۸۴) با عنوان «بررسی کوتاه ویژگی‌های فارسی مشهدی» به بررسی زبان‌شناسانه‌ی گویش مشهدی پرداخته است. داورپناه (۱۳۸۷) در مقاله‌ی «بررسی اجتماعی زبان فارسی در مشهد» به بررسی جامعه‌شناسی زبان در این شهر پرداخته است. حیدری پور (۱۳۸۸) در مقاله‌ای با عنوان «فرایند مرگ

لهجه‌ی مشهدی: عوامل و روش‌های جلوگیری از آن» به تأثیرات فارسی معیار و کم‌کاربردی گویش مشهدی در بین گویشوران پرداخته است. خزایی (۱۳۸۸) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی و توصیف آوایی افعال در گویش مشهدی» به نظام آوایی گویش مشهدی در افعال پرداخته است. حسینی (۱۳۸۸) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی صامت‌های میانجی در گویش مشهدی» به بررسی ساختار متفاوت واژگانی گویش مشهدی پرداخته است. پهلوان نژاد (۱۳۸۸) در مقاله‌ی «بررسی و توصیف واژگانی در گویش مشهدی» و در سال (۱۳۸۹) در مقاله‌ی «بررسی صامت‌های میانجی در گویش مشهدی» به بررسی این گویش پرداخته است. در سال (۱۳۹۰) ایشان و نجاتیان نیز در مقاله‌ای با عنوان «بررسی و توصیف نظام آوایی گویش مشهدی» به بررسی گویش محله‌ی نوقان مشهد پرداخته‌اند. فیروزیان (۱۳۸۹) در مقاله‌ی «بررسی فرایندهای واجی در گویش مشهدی بر اساس واج‌شناسی خود واحد» به بررسی نظام آوایی گویش مشهدی پرداخته است. نجاتیان (۱۳۹۰) در پایان‌نامه‌ی خود با عنوان «بررسی و توصیف گویش مشهدی» به بررسی نظام آوایی و ساخت واژی گویش مشهدی پرداخته است. حسینی معصوم و حسینی (۱۳۹۲) در مقاله‌ی «بررسی فرایندهای واجی در گفتار کاربران لهجه‌ی مشهدی با تحصیلات مختلف در مقایسه با زبان فارسی معیار» به بررسی جامعه‌شناسی گویش مشهدی پرداخته‌اند. پیش‌قدم، شریفی و عطاران (۱۳۹۳) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی کاربرد فعل رفتن در گویش مشهدی و زبان انگلیسی» به بررسی مقایسه‌ای گویش مشهدی و زبان انگلیسی به همراه بررسی تأثیر متغیرهایی از قبیل سن، جنسیت، سطح تحصیلات و طبقه‌ی اجتماعی بر میزان استفاده از فعل رفتن پرداخته‌اند. شهریاری راد (۱۳۹۵) در کتابی با عنوان «بررسی گویش مشهدی» به دگرگونی‌های آوایی در گویش مشهدی پرداخته است.

۳. چارچوب نظری

مورا واحدی نوایی است که برای اندازه‌گیری وزن هجا به کار می‌رود. از آنجایی که مورا نوعی دیرش یا کشش زمانی را در تولید اجزاء هجا نشان می‌دهد آن را واحد زمان‌مند نیز نامیده‌اند. این واحد در واج‌شناسی غیر خطی در حدفاصل بین لایه‌ی هجا و لایه‌ی واج قرار می‌گیرد. قلمرو کاربرد مورا هجا است و بر اساس تعداد موراها یک هجا می‌توان وزن هجا را به صورت سبک، سنگین یا فوق سنگین تعیین کرد (کرد زعفرانلو: ۱۳۸۳). وزن هجا از دیرباز برای ادبا و دانشمندان علم عروض بسیار مهم بوده است و تقسیمات انواع هجا را در شناخت انواع بحور عروضی به

کار می‌بردند. واج‌شناسی مورایی در چارچوب نظریه‌ی خود واحد است که اعضاء دیگر این مجموعه عبارت است از همخوان- واکه و نظریه‌ی ایکس. نظریه‌ی خود واحد برای بررسی پدیده‌هایی چون نواخت، همگونی، دوگان سازی، هجا بندی ترخیم، تشدید، کشش جبرانی و... به وجود آمد که پژوهش‌های پیش از آن در توجیه این موارد عاجز بودند. نظریه‌های پیش از این همگی خطی بودند. در نظریه‌های خطی هر واژه توالی از اصوات گفتار است و هر آوا به نوبه‌ی خود با یک ماتریس مشخصه‌ای مرتبط است. این مشخصه‌ها سازمان دهی درونی ندارند و ترتیب وقوعشان دارای اهمیت نیست (کرد زعفرانلو: ۱۳۸۳). سه نظریه‌ی همخوان- واکه، ایکس و مورایی که در نظریه‌ی واج‌شناسی خود واحد جای دارند با یکدیگر دارای تفاوت‌ها و شباهت‌هایی جزئی می‌باشند. کرد زعفرانلو (۱۳۹۳: ۱۱۰) دو شباهت زیر را برای نظریه‌ی همخوان- واکه و ایکس ذکر می‌کند:

۱. هر دو نظریه دارای ساخت سلسله مراتبی هستند.

۲. هر دو نظریه با کشش واکه به عنوان یک واحد واجی متصل به دو جایگاه زمان‌مند برخورد یکسان دارند.

او تفاوت این دو نظریه را در این می‌داند که در نظریه‌ی همخوان واکه تمایز میان واکه و همخوان کاملاً مشهود است اما در نظریه‌ی ایکس برای تمام واحدهای واجی یک واحد زمان‌مند (یعنی ایکس) مورد استفاده قرار می‌گیرد.

مورا یک سازه‌ی هجا است که واسط بین لایه‌ی هجا و لایه‌ی واجی است. واحدهایی می‌توانند در لایه‌ی واجی به مورا متصل شوند که حامل وزن واجی باشند. از این رو مورا دو نقش دارد: نقش وزن واجی و نقش جایگاه واجی (کرد زعفرانلو، ۱۳۹۳: ۱۳۲). هجای سبک از نظر واجی یک مورا و هجای سنگین دو مورا دارد. این تمایز وزنی علاوه بر استفاده در نظم و شعر در تعیین تکیه نیز به کار می‌رود مگر اینکه زبانی دارای تکیه‌ی ثابت باشد.

اهمیت وزن هجا یا همان سبک و سنگین بودن هجا در تعیین تکیه‌ی کلمات در زبان لاتینی موجب طرح مورا شد. کشش جبرانی نیز ناشی از وزن هجا است. بنابراین یک ابزار صوری یعنی مورا می‌تواند دو مساله‌ی واج‌شناختی یعنی تکیه و کشش جبرانی را حل کند. هیز (۲۰۰۹) معتقد است اغلب مردم هجاهای سازنده‌ی یک واژه یا قطعه‌ای از گفتار زبان خود را به خوبی

تشخیص می‌دهند، چرا که هجا به عنوان یک واقعیت واجی در سطح آگاهی گویشوران بومی هر زبانی قرار دارد.

ثمره (۱۳۹۴: ۱۰۹) بیان می‌دارد هجا در فارسی عبارت است از یک رشته آوایی پیوسته که از یک واکه و یک تا سه همخوان تشکیل شده است. منظور از یک رشته‌ی آوایی پیوسته آن است که اجزای سازنده‌ی هجا طی یک فرایند تولیدی بدون مکث تولید می‌گردند. واکه به منزله‌ی مرکز یا هسته یا محور هجا است و همخوان در حکم حاشیه یا دامنه‌ی آن است. به عبارت دیگر موجودیت هجا بستگی به وجود واکه دارد زیرا اگر واکه را حذف کنیم دیگر همجایی باقی نمی‌ماند. در فارسی سه نوع هجا داریم:

ba مانند cv

tar مانند cvc

goft مانند cvcc

که می‌توان این سه را به ترتیب هجای کوتاه، بلند و کشیده دانست. در گویش مشهدی سه هجای دیگر به دلیل وجود خوشه‌های دو همخوانی آغاز مشاهد شده که به تفصیل به آن پرداخته خواهد شد و عبارتند از:

ble مانند ccv

pxol مانند ccvc

psijf مانند ccvcc

۴. بررسی و توصیف داده‌ها

برکوئست (۲۰۰۱) به تحلیل واجی مبتنی بر رویکرد نقشی می‌پردازد. وی به منظور تبیین و تشخیص همخوان‌ها و واکه‌های یک زبان، ابتدا تمامی داده‌های گردآوری شده را بررسی می‌نماید و واحدهای آوایی که احتمال واج بودن آن‌ها در گونه‌ی زبانی بیشتر است را شناسایی می‌کند. آواهای ارائه شده در جدول آواهای همخوانی و واکه‌ای ارایه می‌شوند و این تشخیص براساس سه نوع رابطه‌ی تقابلی، توزیع تکمیلی و مدل آزاد به عنوان واج یا واجگونه شناسایی می‌شود. در پژوهش حاضر نیز در این گویش ۲۱ واج همخوان و ۶ واج واکه بر اساس انگاره‌ی برکوئست (۲۰۰۱) توسط نگارنده شناسایی شده است که عبارت است از:

جدول شماره (۱) آواهای همخوانی و واکه‌ای گویش مشهدی:

<i>t-f-f- r-d-ʔ-χ-dʒ-j-n-d-ɠ-h-</i> <i>m-s-p-z-k-tʃ-w-b</i>	واج‌های همخوانی
<i>i-u-a</i>	واج‌های واکه‌ای ساده‌ی بلند
<i>æ-e-o</i>	واج‌های واکه‌ای ساده‌ی کوتاه
<i>ɔæ-ei-ou</i>	واج‌های واکه‌ای مرکب

۴. ۱. ساخت هجا

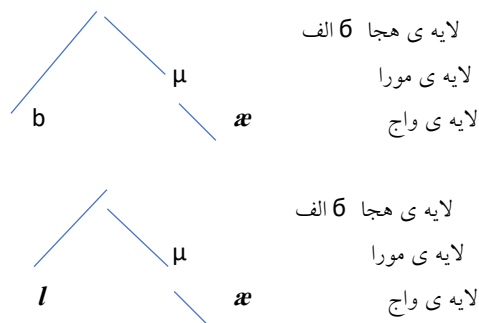
در این بخش به توصیف ساخت هجا و انواع هجای تکیه بر، شیوه‌ی واج آرایی همخوان‌ها در آغاز و پایان هجا و نقش وزن واجی و جایگاه واجی در گویش مشهدی پرداخته شد. در ساخت هجا، هسته اساسی‌ترین عنصر هجا است که معمولاً به صورت واکه‌ی ساده، واکه‌ی کشیده و یا واکه‌ی مرکب مشاهده می‌شود. در گویش مشهدی می‌توان از طریق حذف یا درج واکه به هسته‌ی هجا به ۷ نوع هجا دست یافت که شرح آن به تفصیل خواهد آمد. چنانچه پیش از این نیز اشاره شد طبق تعریف دوران (۱۹۹۰: ۲۹۱) هجای سنگین هجایی است که حاوی یک واکه‌ی کشیده و یا واکه‌ی مرکب یا واکه‌ی کوتاهی است که بعد از آن همخوان آمده باشد و هجای سبک هجای بازی است که فقط حاوی یک واکه‌ی کوتاه است. بر همین اساس هجاها به دو دسته‌ی کلی هجای سبک و سنگین تقسیم شدند:

۴. ۱. ۱. هجای سبک

۴. ۱. ۱. ۱. ساخت هجای CV

در این ساخت، هجا متشکل از یک همخوان و یک واکه‌ی ساده می‌باشد. مانند:

baelæ به معنای (بله) دارای دو هجای سبک است.

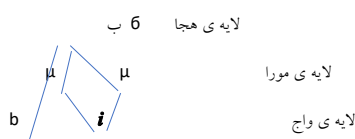


مشاهده می‌شود که هجای سبک یا کوتاه از نظر واجی یک مورا دارد. هر دو واکه به مورای متصل به هجا مرتبط اند و مشخصه‌ی [+هجایی] را دارند. در گویش مشهدی عموماً مشاهده

شد هنگامی که دو هجای کوتاه کنار یکدیگر می‌آیند هجای اول تکیه^۱ بر است. به عبارت دیگر **b'æla** با تکیه بر هجای نخست صحیح می‌باشد.

در واژگانی که هجای کوتاه و بلند و یا هجای سبک و سنگین وجود دارد عمدتاً مشاهده شد هجای سبک تکیه بر نیست مانند :

bilæ به معنای دفعه و بار در این گویش دارای یک هجای سنگین و یک هجای سبک است. واکه‌ی هجای اول /i/ بلند است و هجا سنگین محسوب می‌شود.



مشاهده می‌شود که هجای سنگین دو مورا و هجای سبک یا کوتاه از نظر واجی یک مورا دارد. هجای اول با دو مورا هجای سنگین و هجای دوم با یک مورا هجای سبک محسوب می‌شود. در گویش مشهدی عموماً مشاهده شد هنگامی که دو هجای سنگین و سبک در کنار یکدیگر می‌آیند هجای سنگین تکیه بر می‌شود. به عبارت دیگر **b'ilæ** با تکیه بر هجای نخست صحیح می‌باشد.

/kal'i/ به معنای (کلید) در این گویش دارای یک هجای سبک در آغاز و یک هجای سنگین در انتها است اما چنانچه مشاهده می‌شود در جایگاه هجای دوم نیز هجای سنگین تکیه بر می‌باشد.

در زیر نمونه‌هایی از هجاهای سبک و تکیه بر بودن آنها به تنهایی و هجاهای سنگین و تکیه بر بودن آنها در کنار هجاهای سبک آورده شد.

۱ تکیه‌ی کلمات را می‌توان با توجه به نقش کلمات نیز تعیین نمود اما پژوهش حاضر صرفاً بر اساس نوع هجا به بررسی تکیه در واحد واژه پرداخته است.

جدول شماره (۲) ساخت هجای CV

معنای فارسی	فارسی نوشته	واژه‌ی مشهدی	هجای سبک CV
انگشت دست	کلیک	<i>c'əlic</i>	<i>cə</i>
دفعه، بار	بیله	<i>b'ilɛ</i>	<i>lɛ</i>
یونجه خشک	بیده	<i>bidæ'</i>	<i>dæ</i>
رعد و برق	پایه	<i>pajɛ'</i>	<i>j-ɛ</i>
چرک ضخیم پشت دست یا پا	پغنه	<i>p'ævæne</i>	<i>p-æ / væ / nɛ</i>
کپک مواد غذایی	پوچه	<i>p'utʃɛ</i>	<i>tʃɛ</i>
مترسک	چوله غزک	<i>tʃ'ɔlævæzæc</i>	<i>lə / və</i>
مگس	مگس	<i>mæf'æs</i>	<i>mə</i>

۴. ۱. ۱. ساخت هجای CCV

چنانچه اشاره شد به نقل از (کرد زعفرانلو، ۱۳۹۳) همخوان‌های آغازه که قبل از هسته‌ی هجا قرار دارند مورایی نیستند و از این رو وزن ندارند. در نتیجه هجای دارای دو همخوان آغازه (و یا بیشتر) که با واکه‌ی کوتاه همراه باشند هجای سبک نامیده می‌شوند. علاوه بر آن قواعد مربوط به تکیه که نسبت به وزن هجا حساس هستند بدون در نظر گرفتن همخوان‌های آغازه عمل می‌کنند. این نوع هجا در فارسی معیار وجود ندارد اما در گویش مشهدی مشاهده شد.

الف) تله /*tlæ*/ به معنای (تله) یک هجای سبک است.



مشاهده می‌شود که هجای سبک یا کوتاه از نظر واجی یک مورا دارد و دو مصوت آغازین هجا مستقیماً به لایه‌ی هجا متصل‌اند و به آنها مورایی تعلق نگرفته است. واکه به مورای متصل به هجا مرتبط است و مشخصه‌ی [+هجایی] را کسب کرده است.

ب) جزغله /*dʒezglæ*/ به معنای (سوخته شده) دارای دو هجا است. هجای آخر یک هجای سبک است که در کنار یک هجای سنگین /*dʒez*/ آمده است.



چنانچه مطرح شد هرگاه هجای سبک و سنگین در کنار یکدیگر قرار گرفت، عمدتاً هجای سبک حتی با دو همخوان آغازین تکیه بر نیست و اولویت تکیه با هجای سنگین است. در زیر نمونه‌هایی از هجاهای سبک با دو همخوان آغازین و تکیه بر بودن آنها به تنهایی آورده شد. علاوه بر آن هجاهای سنگین و تکیه بر بودن آنها در کنار هجاهای سبک با دو همخوان آغازین نیز مشاهده می‌شود.

جدول شماره (۳) ساخت هجای CCV

هجای CCV	واژه ی مشهدی	معادل فارسی
<i>ɪl-e</i>	<i>ɪl'e</i>	قلعه، روستا
<i>dɪ-æ</i>	<i>dɪ'æ</i>	شکمو، حریص
<i>ɡɪ-æ</i>	<i>dʒ'ezɡlæ</i>	دنبه‌ی سرخ شده (سوخته شده)
<i>pʃ-æ</i>	<i>pʃæm'un</i>	پشیمان

چنانچه مشاهده شد واژه‌های دارای یک هجا با دو همخوان آغازین تکیه براند اما واژه‌هایی که دارای چند هجای سبک و سنگین هستند مانند: /*pʃæm'un*/، هجای سنگین با اینکه آخرین هجای اسم است تکیه بر می‌باشد این مشخصه در مثال /*dʒ'ezɡlæ*/ به خوبی مشاهده شد که هجای اول هجای فوق سنگین است و به دلیل همجواری با هجای سبک تکیه بر شده است.

۴. ۱. ۲. هجای سنگین

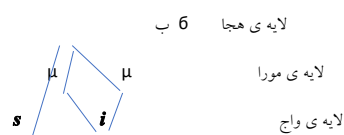
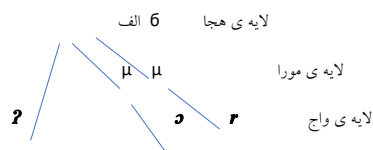
طبق تعریف دوران (۱۹۹۰ : ۲۹۱) باقی هجاها غیر از هجای سبک هجای سنگین است که از CV با واکه‌ی بلند CVC و CVCC با واکه‌های بلند و کوتاه تشکیل شده است. اما این پژوهش به منظور در نظر گرفتن وزن هجا طبق تعریف طیب زاده (۱۳۸۶) که در مقدمه نیز ذکر شد، هجای تک مورایی CV را هجای سبک، هجای دو مورایی CV، CVC را هجای سنگین و هجای سه مورایی CVC، CVCC، CVCC را هجای فوق سنگین می‌نامند (طیب زاده، ۱۳۸۶ : ۴۲۹).

۴. ۱. ۲. ۱. ساخت هجای CV با واکه‌ی بلند

در این ساخت یک واکه‌ی بلند و یا یک واکه‌ی مرکب پس از یک همخوان مشاهده می‌شود. این نوع هجا در واقع دارای دو موراست. اگر واکه کوتاه باشد یک موراً می‌گیرد و همخوان

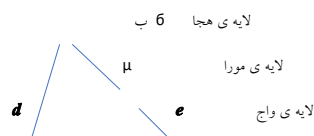
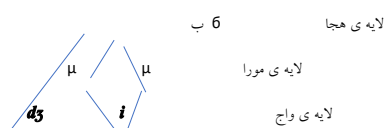
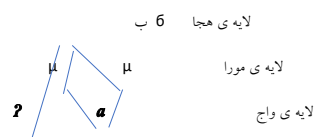
بعد از واکه نیز دارای یک مورا است اما اگر واکه بلند یا مرکب باشد هر دو مورا به واکه تعلق دارد و پس از آن نیز همخوانی نمی‌آید.

الف) *Parsi* به معنای (نوعی کفش چرمی زنانه) دارای دو هجای سنگین است. اولین هجا دارای ساختار *CVC* و دومین هجا دارای ساختار *CV* با واکه‌ی کشیده است.



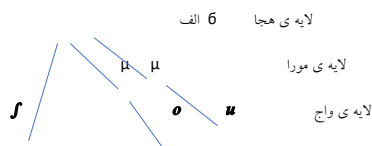
مشاهده می‌شود که هجای سنگین یا کشیده از نظر واجی دو مورا دارد. در گویش مشهدی عموماً مشاهده شد هنگامی که دو هجای سنگین کنار یکدیگر می‌آیند هجای اول تکیه بر است. به عبارت دیگر *Parsi* با تکیه بر هجای نخست صحیح می‌باشد.

ب) *padzide* به معنای (دوخته شده) در این گویش دارای دو هجای سنگین در آغاز و یک هجای سبک در پایان است. واکه‌ی هجای اول کشیده است و دارای ساختار *CV* می‌باشد چنانچه مشاهده شد این هجای سنگین در آغاز واژه تکیه بر است.



در اسامی که هجای سنگین با ساختار *CV* در ابتدا قرار می‌گیرند هجای اول تکیه بر می‌باشد به عبارت دیگر تفاوتی در نوع هجای سنگین مشاهده نشد.

ج) هجای سنگین با واکهی مرکب واژه‌ی /*fou*/ به معنی (شب) دارای دو مورا می‌باشد و تکیه بر است.

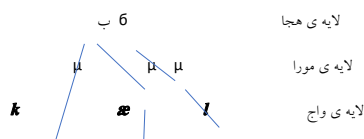


د) واژه‌ی دیگر مانند /*ʔowsar*/ به معنی افسار که هجای آغازین آن دارای واکهی مرکب است تکیه بر می‌باشد. و چنانچه مشاهده می‌شود هر دو هجا سنگین می‌باشند و تفاوتی میان هجای سنگین با واکهی مرکب و هجای سنگین با ساختار CVC وجود ندارد و اولین هجای سنگین مانند سایر اسامی تکیه بر است. هنگامی که واکهی مرکب در انتهای کلمه باشد و هجای سبک در آغاز باشد تکیه به هجای پایانی تعلق می‌گیرد. مانند: /*paʔfoux*/ به معنای (دمل چرکی) که از دو هجای /*pə*/ و /*ʔfoux*/ تشکیل شده هجای دوم که هجای سنگین به سبب واکهی مرکب است تکیه بر نیز می‌باشد. چنانچه مشاهده می‌شود هجای دارای واکهی مرکب نیز هجای سنگین محسوب می‌شود و در گویش مشهدی در کنار هجای سبک تکیه بر خواهد بود.

۴. ۲. ۱. ساخت هجای CVC

در این ساخت یک واکه در میان دو همخوان قرار می‌گیرد. در این ساخت، هجا متشکل از یک همخوان و یک واکهی کوتاه و یک همخوان پس از واکه می‌باشد و طبق تعاریف در هر صورت هجا از نوع سنگین است. مانند:

الف) *kæʔ* به معنای (کچل) دارای یک هجای سنگین است.



چنانچه پیش ازین آمد اگر این هجا در کنار هجای سبک قرار گیرد تکیه بر خواهد بود چه در ابتدای واژه و چه در انتهای آن باشد. مثال‌ها در جدول زیر ارایه شد.

جدول شماره (۴) ساخت هجای CVC سنگین

هجای CVC	واژه‌ی مشهدی	فارسی نوشته	معنای فارسی
<i>z-o-n</i>	<i>boz'onqore</i>	بزونقره	جوجه تیغی
<i>b-æ-ʔ</i>	<i>b'æʔte</i>	بخته	گوسفند نر دو تا سه ساله

<i>b-e-r</i>	<i>b'ergæst</i>	برقست	باد تند، با سرعت
<i>b-æ-s/c-i</i>	<i>b'æsci</i>	بسکی	بس که
<i>b-e-j</i>	<i>b'ejʊʃ</i>	بیغوش	جغد
<i>p-ε-r</i>	<i>p'erhib</i>	پرهیب	سایه- شبح

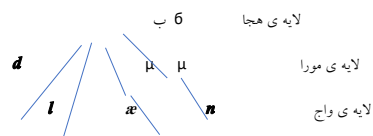
۴. ۱. ۲. ۳. ساخت هجای CCVC سنگین با دو همخوان آغازین

این نوع هجا در فارسی معیار وجود ندارد اما در گویش مشهدی مشاهده شد. در این ساخت دو همخوان در ابتدای هجا و یک همخوان در انتها و یک واکه در میان آنها قرار می‌گیرد. یا به عبارتی یک همخوان در انتها و یک همخوان در ابتدای هجای CV قرار گرفته است. چنانچه اشاره شد (به نقل از کرد زعفرانلو، ۱۳۹۳) همخوان‌های آغازه که قبل از هسته‌ی هجا قرار دارند مورایی نیستند و از این رو وزن ندارند. در نتیجه هجای دارای دو همخوان آغازه (و یا بیشتر) که با واکه همراه باشند نوع واکه در سبک یا سنگین بودن هجا موثر است. اما مشاهده شد که در موضوع تکیه همجواری هجای دارای دو همخوان آغازین سبک تکیه بر است. در همجواری با هجای سنگین نیز هجای سنگین دارای دو همخوان آغازین تکیه بر می‌باشد. در زیر نمونه‌هایی ازین هجا و تکیه بر بودن آن ارایه شد.

جدول شماره (۵) ساخت هجای CCVC سنگین با دو همخوان آغازین

معنای فارسی	فارسی نوشته	واژه‌ی مشهدی	هجای CCVC
تیرکمان	پلخمون	<i>pl'æχmun</i>	<i>pl-æ-χ</i>
اندک، کم	پلق	<i>pl'εχ</i>	<i>plεχ</i>
پنگول	پخل	<i>pχ'ol</i>	<i>pχ'ol</i>
آویزان	دلنگون	<i>dl'æɲun</i>	<i>dl-æ-ɲ</i>

الف) *dl'æɲfun* به معنای (آویزان) دارای یک هجای سنگین با دو همخوان آغازین است.



چنانچه پیش ازین مطرح شد به همخوانهای آغاز هجا مورا تعلق نمی‌گیرد اما همخوان پس از واکه نیز دارای مورا است. چنانچه مشاهده شد واژه‌های دارای یک هجا با دو همخوان آغازین

تکیه بر هستند مانند: /dl'æɲfun/، هجای سنگین دارای دو همخوان آغازین تکیه‌بر است. این مشخصه در مثال /pl'æχmun/ نیز مشاهده شد.

۴. ۱. ۳. ساخت هجای فوق سنگین

در این ساخت سه نوع هجا CV : C با واکه‌ی بلند، CCV : C با واکه‌ی بلند و دو همخوان آغازین، CVCC با دو همخوان در انتها و هجای CCVCC که دارای دو همخوان آغازین به همراه دو همخوان انتهایی است، قرار دارد.

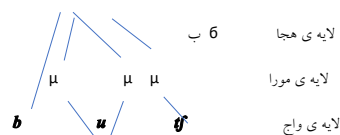
۴. ۱. ۳. ۱. ساخت هجای CV : C با واکه‌ی بلند

در این ساختار یک همخوان در انتهای هجای CV قرار دارد. یا به عبارتی یک واکه‌ی بلند و دو همخوان در این ساخت مشاهده می‌شود.

الف) *butf* به معنای (لپ و گونه) دارای یک هجای فوق سنگین است.

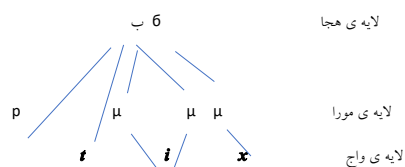
جدول شماره (۶) ساخت هجای CV : C سنگین با واکه‌ی بلند

معنای فارسی	فارسی نوشته	واژه‌ی مشهدی	هجای CCVC
پرستو	پالزیک	<i>p'alzic</i>	<i>p-a-l z-i-c</i>
نوعی آش که با آرد تهیه می‌شود	اوماج	<i>?omadz</i>	<i>m-a-dʒ</i>
گهواره	بانوج	<i>banudz</i>	<i>n-u-dʒ</i>



۴. ۱. ۳. ۲. ساخت هجای CV : C با واکه‌ی بلند

در این ساختار یک همخوان در انتها و یک همخوان نیز در ابتدای هجای CV قرار دارد. یا به عبارتی یک واکه‌ی بلند و سه همخوان در این ساخت مشاهده می‌شود.



جدول شماره (۷) ساخت هجای CCVC؛ سنگین واکه‌ی بلند با دو همخوان آغازین

هجای CCVC	واژه‌ی مشهدی	فارسی نوشته	معنای فارسی
<i>ptʃiχ</i>	<i>ptʃ'iχ</i>	پچیخ	پهن
<i>pt-al</i>	<i>pt'al</i>	پتل	خراب، داغون
	<i>bt'a</i>	بلا	بلا

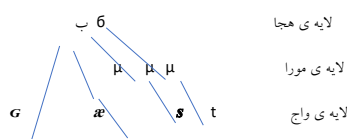
۴. ۱. ۳. ۲. ساخت هجای CVCC

در این ساختار و دو همخوان در انتهای هجای CV قرار دارد. یا به عبارتی یک واکه و سه همخوان در این ساخت مشاهده می‌شود. این هجا در واژه‌های تک هجایی تکیه بر است و همچنانکه پیش ازین نیز مطرح شد هجای سبک در مجاورت این هجا تکیه نمی‌گیرد و هجای سنگین نیز در کنار این هجای فوق سنگین تکیه بر نمی‌باشد. نمونه‌ها در جدول (۷) آورده شد.

جدول شماره (۸) ساخت هجای CVCC فوق سنگین

هجای CVCC	واژه‌ی مشهدی	فارسی نوشته	معنای فارسی
<i>l-e-fdʒ</i>	<i>ʔæʎ'efdʒ</i>	الفج	نوج، چسبناک
<i>tʃ-o-χd</i>	<i>tʃ'oχd</i>	چخت	سقف
<i>l-e-ft</i>	<i>ʎæʎ'eft</i>	غلفت	نوعی دیگ مسی
<i>tʃ-æ-ɲf</i>	<i>gertʃ'æɲf</i>	غرچنگ	غضروف
<i>m-æ-st</i>	<i>gorm'æst</i>	گرماست	نوعی ماست که با دوغ ترکیب می‌شود.
<i>d-a-ns</i>	<i>ʔad'ans</i>	آدانس	آدامس
<i>b-u-mb</i>	<i>b'umb</i>	بومب	پشت بام
<i>g-ε-st</i>	<i>tərg'est</i>	ترغست	یک لحظه
<i>ɲf-i-tʃ</i>	<i>tʃ'ɲf</i>	چینگ	نوک پرنده - لبه - جلو

الف (*tərg'est*) به معنای (یک لحظه) دارای یک هجای فوق سنگین است.



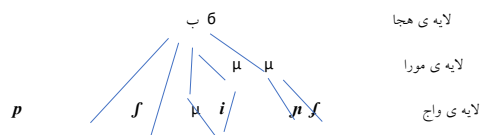
چنانچه مشاهده شد هجاهای فوق سنگین در مجاورت هجای سنگین نیز تکیه بر خواهد بود مانند *ʔad'ans* که در انتهای واژه هجای فوق سنگین *d'ans* تکیه بر است.

۴. ۱. ۳. ۱. ساخت هجای CCVCC فوق سنگین با دو همخوان آغازین در این ساخت دو همخوان در ابتدای هجا و دو همخوان در انتها و یک واکه در میان آنها قرار می‌گیرد. یا به عبارتی دو همخوان در انتها و یک همخوان در ابتدای هجای CV قرار گرفته است. این ساخت نیز بسیار کم کاربرد است اما در گویش مشهدی مشاهده شد.

جدول شماره (۹) ساخت هجای CVCC فوق سنگین دو همخوان آغازین

معادل فارسی	واژه ی مشهدی	خوشه ی دوهمخوانی آغاز و پایانه
پاچیدن آب	<i>psɪɲɪf</i>	<i>psɪ-i-ɲɪf</i>
قلدر و قوی هیکل	<i>ɔɔɪ tʃæɲɪf</i>	<i>tʃ-æ-ɲɪf</i>
پلنگ	<i>plæɲɪf</i>	<i>pl-æ-ɲɪf</i>
آلوده و کثیف	<i>plæft</i>	<i>pl-æ-ft</i>
باد معده	<i>tlɛɲɪf</i>	<i>tl-e-ɲɪf</i>
قشنگ	<i>ɔʃæɲɪf</i>	<i>ɔʃ-æ-ɲɪf</i>
خل و دیوانه	<i>mʃæɲɪf</i>	<i>mʃ-æ-ɲɪf</i>

الف) *psɪɲɪf* به معنای (پاچیدن آب) دارای یک هجای فوق سنگین با دو همخوان آغازین است.



در این نوع هجا نیز دو همخوان آغازین مورایی نیستند. اما چنانچه مشاهده شد دارای سه مورا می‌باشد دو مورا برای واکه‌ی بلند و یک مورا برای دو همخوان انتهایی. این هجا عموماً به تنهایی در ساخت یک واژه مشاهده می‌شود و خود تکیه بر است.

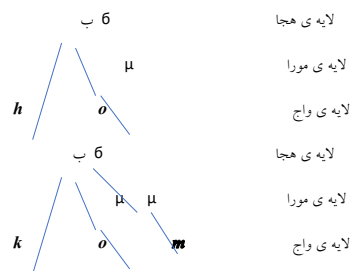
۴. ۱. ۱. ۴ درج واکه در هجای CVCC فوق سنگین

نوع دیگری از ساختار هجای متفاوت در این گویش درج واکه در هجای فوق سنگین است. در این ساختار هجاهای فوق سنگین دارای ساخت هجایی CVCC با درج همخوانی دچار شکستگی هجا می‌شوند و یک هجای فوق سنگین به دو هجای سبک CV و یک هجای سنگین CVC تبدیل می‌شود. نمونه‌های فراوانی از این ساخت در گویش مشهدی مشاهده شد که برخی در جدول ذیل آمده است.

جدول شماره (۱۰) درج واکه در هجای CVCC

معنای فارسی	فارسی نوشته	واژه ی مشهدی	هجای فوق سنگین و فرایند واج افزایی
چشم	چشم	<i>tʃesom</i>	<i>f-o-m</i>
بزرگ	بزرگ	<i>b'ozorəf</i>	<i>r-a-f</i>
برگ	بلگ	<i>b'æləf</i>	<i>l-a-f</i>
تلخ	تلخ	<i>t'æleχ</i>	<i>l-e-χ</i>
صبر	صبر	<i>s'æber</i>	<i>b-a-r</i>
ترش	ترش	<i>t'orəf</i>	<i>r-o-f</i>
پتک	پتک	<i>p'otək</i>	<i>t-a-c</i>
سطل	سطل	<i>s'ætəl</i>	<i>t-e-l</i>
گفت	گفتک	<i>f'oftək</i>	<i>t-a-k</i>
برد	بردک	<i>b'ordək</i>	<i>d-a-k</i>
حکم	حکم	<i>h'okom</i>	<i>k-o-m</i>
زخم	زخم	<i>z'æχom</i>	<i>χ-o-m</i>

الف) *h'okom* به معنای (حکم) دارای یک هجای فوق سنگین است که با افزوده شدن واکه *o/* به دو هجای سبک *ho/* و سنگین *kom/* تبدیل شده است. در این نوع هجا مشاهده شد که هجای سبک در مجاورت هجای سنگین تکیه بر شده است. برخلاف موارد پیش از این که تمامی هجاهای سبک در مجاورت هجای سنگین تکیه بر نبودند در این مورد هجای سبک تکیه بر می‌شود.



نمونه‌های فراوانی ازین ساخت در گویش مشهدی مشاهده شد که نشانگر قاعده مند بودن این درج واکی می‌باشد. در هنگام درج واکه در هجای فوق سنگین شاهد شکست این هجا و تبدیل آن به دو هجای سبک و هجای سنگین هستیم در این حالت مشاهده شد هجای سبک که در آغاز قرار دارد بر خلاف سایر هجاهای سبک تکیه بر می‌شود. در این ساختار موارد ذیل نیز مشاهده شد :

الف : درج واکه‌های (o,e) در این ساخت زمانی می‌آید که همخوان انتهایی خوشه‌ی دو همخوانی پایانه یکی از همخوان‌های (l,r,g,s,z,n,b) باشد مانند : واژه‌ی صبرکه به صورت /s'æber/ مشاهده می‌شود.

ب : درج واکه‌ی /o/ در هجاهایی که همخوان انتهایی آن یکی از همخوان‌های (m,b) باشد نیز مشاهده شد. مانند /tʃesom/ و /torof/.

ج : در افعالی مانند برد، گفت، سوخت، هست، بست و ... علاوه بر درج واکه شاهد افزایش همخوان *k* نیز می‌باشیم مانند : گفت که تبدیل به *softak* می‌شود. که البته با افزودن این همخوان نیز هجای دوم همچنان هجای سنگین است.

۵. نتیجه‌گیری

در بررسی ساختار تکیه‌ی گویش مشهدی به تفاوت‌های این گویش با فارسی معیار پرداخته شد. در پژوهش‌های پیشین تکیه در زبان فارسی مقوله‌ای صرفی است که در ارتباط با اجزای کلام بررسی می‌شود اما پژوهش حاضر به تفاوت‌های موجود در تکیه در مقوله‌ی دستوری اسم بر اساس نوع و وزن هجا در چارچوب نظریه‌ی مورایی پرداخت. در این بررسی مشاهده شد که وزن هجا یا همان سبک و سنگین بودن هجا در تعیین تکیه‌ی کلمات موثر است علاوه بر آن در بررسی‌های گویش مشهدی مشاهده شد که وزن هجا می‌تواند در پذیرش یا عدم پذیرش تکیه

عاملی مهم باشد و خوشه‌های دوهمخوانی آغازه در ساختار هر سه نوع هجا در این گویش مشاهده شد.

طبق شواهد مشاهده شد که اگر هجای سبک یا هجای سنگین و فوق سنگین در واحد واژه در مجاورت هم‌نوع خود قرار گیرد تکیه به اولین هجا در اسم تعلق خواهد گرفت اما اگر یک هجای سبک و یک هجای سنگین در مجاورت هم باشند چه هجای سنگین اولین هجا باشد چه آخرین هجا تکیه به هجای سنگین تعلق می‌گیرد. اگر هجای سنگین و فوق سنگین در مجاورت هم باشند چه هجای فوق سنگین اولین هجا باشد و چه آخرین هجا تکیه به هجای فوق سنگین تعلق می‌گیرد. درباره‌ی خوشه‌های دو همخوانی آغازین نیز همچنان تکیه به نفع هجای دارای دو همخوان آغازین است. در هجای فوق سنگین دارای دو همخوان آغازین مجاورت هجای دیگر مشاهده نشد.

در انتها می‌توان به پرسش‌های پژوهش پاسخ گفت: الف) آیا وزن وابسته به جایگاه در تکیه‌ی این گویش موثر است یا مقوله‌ی دستوری اسم دارای تکیه‌ای مشخص می‌باشد؟ چنانچه مشاهده شد نوع هجا و جایگاه آن در مقوله‌ی دستوری اسم می‌تواند در تعیین جایگاه تکیه موثر باشد و مقوله‌ی دستوری اسم در این گویش دارای جایگاه از پیش تعیین شده و یکسان نیست. ب) آیا واج‌شناسی مورایی می‌تواند تحلیل‌هایی علمی در خصوص شناخت تکیه در گویش ارایه دهد؟ چنانچه مشاهده شد به وسیله‌ی واج‌شناسی مورایی به تحلیل‌های جالب توجهی در تعیین جایگاه تکیه و نوع هجا در این گویش دست یافتیم. ج) محدودیت‌های واج‌آرایی در ساخت خوشه‌های دو همخوانی آغازه در این گویش چگونه است؟ در این بررسی مشاهده شد هجاهای دارای خوشه‌های دو همخوانی آغازین می‌توانند در تعیین جایگاه تکیه در این گویش موثر باشد.

منابع

اکبری شالچی، ا. (۱۳۷۰). فرهنگ گویش خراسان بزرگ. اول. تهران: نشر مرکز.
بینش، ت. (۱۳۳۹). چند اصطلاح هواشناسی در لهجه‌ی مشهدی. نشریه فرهنگ خراسان، ۱، ۴/۲، ۱-۳۳-۳۶.

پهلوان نژاد، م. ر. (۱۳۸۹). بررسی صامت‌های میانجی در گویش مشهدی. خلاصه مقالات همایش بین المللی گویشهای مناطق کویری ایران. (۱۲۳) سمنان: دانشگاه سمنان.
پیش قدم، ر. شریفی، ش. عطاران، آ. (۱۳۹۳). بررسی کاربرد فعل رفتن در گویش مشهدی و زبان انگلیسی: شباهت‌ها و تفاوت‌ها. زبان‌شناسی و گویش‌های خراسان، ۹/۶، ۱۱، ۵۵-۷۷.

- حبيب الهی، م. (۱۳۴۷). کیفیت و بررسی فعل در لهجه‌ی مشهدی. *دانشکده ادبیات مشهد*، ۷/۳، ۳، ۲۰۰-۲۴۴.
- حسینی، ز. (۱۳۸۸). بررسی صامتهای میانجی در گویش مشهدی. *چکیده مقالات اولین همایش ملی آموزش زبان فارسی و زبانشناسی*. (۲۱۱). مشهد: دانشگاه فردوسی ۱۴۱.
- حیدری پور، م. (۱۳۸۸). فرایند مرگ لهجه‌ی مشهدی: عوامل و روشهای جلوگیری از آن. *چکیده مقالات اولین همایش ملی آموزش زبان فارسی و زبانشناسی*. (۲۱۳) مشهد: دانشگاه فردوسی.
- خزایی، آ. (۱۳۸۸). بررسی و توصیف آوایی افعال در گویش مشهدی. *چکیده مقالات اولین همایش ملی آموزش زبان فارسی و زبانشناسی*. (۴۱) مشهد: دانشگاه فردوسی.
- زارعی، م. (۱۳۸۵). *بررسی جامعه شناختی گوناگونی گویش مشهدی بر اساس متغیرهای سن، طبقه اجتماعی و جنسیت*. (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). تهران: دانشگاه پیام نور.
- میرخدیوی، ا. (۱۳۶۸). *اشعار مشهدی: گزیده شیرین ترین لطایف نظم و نثر و اشعاری به لهجه‌ی مشهدی از آداب و رسوم مردم خراسان*. مشهد: انتشارات باستان.
- ناظران پور، م. (۱۳۸۶). *برخی از آداب و رسوم مشهد قدیم به لهجه‌ی شیرین مشهدی*. مشهد: سنبله.
- نجاتیان، ح. (۱۳۹۰). *بررسی و توصیف گویش مشهدی*. (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). مشهد: دانشگاه فردوسی.
- وحیدیان کامیار، ت. (۱۳۸۳). *گویش مشهدی*. دومین همایش زبان‌های ایرانی و زبان‌شناسی ایران، (۵۵۱-۵۶۷) مشهد: دانشگاه فردوسی.
- وحیدیان کامیار، ت. (۱۳۸۴). *بررسی کوتاه ویژگی‌های فارسی مشهدی*. فرهنگ و هنر خراسان، ۷/۱۳، ۳، ۱۰۷-۱۰۱.
- مشکوٰالدینی، م. (۱۳۸۵). *ساخت آوایی زبان*. چاپ پنجم. مشهد: دانشگاه فردوسی.
- مشکوٰالدینی، م. (۱۳۸۷). *رابطه‌ی لهجه‌ی رسمی و لهجه‌ی محلی زبان فارسی*. *نامه‌ی فرهنگستان*، ۱/۱۰، ۲۴-۷۱.
- شهریاری راد، پ. (۱۳۹۴). *بررسی زبان‌شناختی گویش مشهدی*، اثبات مشهدی به عنوان یک گویش، سومین همایش ملی زبان‌شناسی و آموزش زبان فارسی، چشم انداز پژوهش‌های زبان در قرن ۲۱. (۳۷-۱۸) مشهد: دانشگاه فردوسی.
- صادقی، ع. (۱۳۴۹). *بررسی جامعه شناختی گوناگونی گویش مشهدی بر اساس متغیرهای سن، طبقه اجتماعی و جنسیت*. (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). تهران: دانشگاه پیام نور.
- ظفر محجوب، ز. (۱۳۴۱). *گویش مشهد*. (پایان‌نامه‌ی کارشناسی). مشهد: دانشگاه فردوسی.

- فیروزیان، آ. (۱۳۸۹). بررسی فرایندهای واجی در گویش مشهدی بر اساس واج‌شناسی خود واحد. خلاصه مقالات همایش بین‌المللی گویش‌های مناطق کویری ایران، (۱۱۳) سمnan: دانشگاه سمnan.
- کرد زعفرانلو کامبوزیا، ع. (۱۳۹۳). واج‌شناسی رویکردهای قاعده بنیاد. چاپ اول، تهران: سمت.
- کرد زعفرانلو کامبوزیا، ع. (۱۳۸۳). واج‌شناسی مورایی و ساخت هجا در زبان فارسی مجموعه مقالات دانشگاه علامه طباطبایی: ش ۱۸۶ صص ۲۴۹-۲۶۴.
- کرد زعفرانلو کامبوزیا، ع. (۱۳۸۳). واج‌شناسی خود واحد و کاربرد آن در فرایندهای واجی زبان فارسی. رساله دکتری زبان‌شناسی. راهنمایی بیجن خان. دانشگاه تهران.
- هایمن، ل. (۱۳۶۸). نظام آوایی زبان: نظریه و تحلیل. ترجمه یدالله ثمره. تهران: فرهنگ معاصر.
- Burquest, DA (2001). *Phonological Analysis: A functional approach*. 2 nd ed.
- Connel, B & Arvantini, A (1995). *Phonology and phonetic evidence: papers in caboratory phonology IV*. Cambridge University press.
- Durand, J (1990). *Generative ana non-linear phonology* New York: Longman.
- Kreidle. C (ed) (2001). *Phonology in Generative Grammar* Oxford: Blackwell publishing.
- Goldsmith, J (1999). *Phonological Theory: The essential Readings* Oxford: Blackwell publishers.
- Hayes, B. (2009). *Introductory phonology*. London: Blackwell.

Investigating Stress in Mashhad Dialect based on Moraic Phonological Theory

Saeede Shoja Razavi¹

Assistant Professor of Linguistics, Research Institute of Cultural Heritage, Tehran, Iran

Received: Feb 23, 2023 Accepted: Jun 19, 2023

Abstract

Examining the structure of Stress in Mashhadi dialect can show some differences between this dialect and other Persian dialects. In most of the researches related to Stress in the Persian language, Stress is a morphological category and it is examined in relation to the components of speech, but the present research tries to investigate the existing differences of Stress in the grammatical category of nouns based on the type and weight of the syllable within the framework of Moraic theory. Finally, it was observed that the distribution of stress in the Mashhad dialect is not only dependent on the grammatical category, but in the grammatical category of the noun, construction and type of syllables, their lightness and weight, have a direct effect on the type of stress. They have a fundamental role. It was observed that a heavy syllable in the vicinity of a light syllable takes the emphasis, unless we see the insertion of a vowel and the break of the super heavy syllable in the heavy syllable, in which case the emphasis is assigned to the light syllable. In the vicinity of two identical heavy and ultra-heavy syllables, the first syllable and the syllable with a cluster of two initial consonants are relied on.

Key words: Stress, Moraic theory, syllable, weight, cluster of two initial consonants.

1 s.shojarazavi@richt.ir

